

## تأثیر مشورت همسران در سعادت خانواده از منظر قرآن و روایات

محمد رضا جباران\*

استادیار اخلاق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴)

### چکیده

در فرهنگ اسلامی هدف نهایی زندگی خانوادگی سعادت اعضای خانواده است. زندگی خانوادگی در صورتی به این هدف می‌رسد که اعضای خانواده، عناصر دخیل در کمال خانواده را بشناسند. طبق نظریه رایج در فرهنگ اسلامی مشورت یک امر مردانه است و در نتیجه مشورت مرد با همسر خود تأثیری در کمال طرفین ندارد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و طرح این پرسش که از دیدگاه قرآن و روایات، مشورت همسران چگونه در فرایند کمال اعضای خانواده اثرگذار می‌گذارد، به بررسی این مسأله پرداخته است. در فرایند این تحقیق درباره هدف اصلی زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و روایات، عناصر تشکیل دهنده بستر کمال خانواده، رابطه مشورت با عوامل سعادت اعضای خانواده و منطق نقد نظریه مردانه بودن مشورت سخن گفته شده و با بررسی ماهیت، کارکرد و نسبت مشورت با عناصر تشکیل دهنده بستر تکامل خانواده به این نتیجه رسیده که مشورت در بافتار بستر کمال اعضای خانواده جایگاه قابل توجهی دارد. و با نقد سند و دلالت مستندات روایی نظریه مردانه بودن مشورت و عرضه آن بر قرآن کریم به مثابه سند بالادستی احکام و آموزه‌های خانوادگی این نظریه را نیز ابطال کرده است.

**واژگان کلیدی:** دفاع، فلسفه وجودی، آمادگی دفاعی، قدرت دفاعی، طباطبائی، قرآن.

---

\* Email: mdrjbn@gmail.com

## ۱. مقدمه

نظر به این که هدف اصلی زندگی خانوادگی سعادت انسان است، برای همسران آشنایی با عناصر دخیل در سعادت اعضای خانواده، به مثابه مقدمه ضروری توفیق خانواده در نیل به کمال، ضروری است. از منظر قرآن و روایات یکی از عناصر تأثیرگذار در سعادت انسان، مشورت است؛ با این حال طبق نظریه رایج در فرهنگ اسلامی مشورت یک امر مردانه است و در نتیجه مرد نمی‌تواند با همسر خود مشورت کند. براین اساس از دیدگاه دین مشورت در محیط خانواده با فضاهای دیگر متفاوت می‌شود. و کنشگر مسلمان را به سؤال و امی دارد که از دیدگاه قرآن و روایات، مشورت همسران چگونه در فرایند کمال اعضای خانواده اثرگذار می‌گذارد، ما در این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع مکتوب دینی به بررسی این مسأله و پاسخ به پرسش ذیل آن می‌پردازیم. برای رسیدن به پاسخ این پرسش ناچار باید به چند پرسش فرعی نیز پاسخ می‌دهیم: از جمله از دیدگاه قرآن و روایات هدف اصلی زندگی خانوادگی چیست؟ و چه عناصری در تشکیل بستر کمال اعضای خانواده و رساندن ایشان به سعادت دخالت دارند، رابطه مشورت با عوامل سعادت اعضای خانواده چیست و نظریه مردانه بودن مشورت چه نسبتی با دین دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در میراث مکتوب ما مسأله مشورت با زنان در حد نقل و احیاناً تحلیل روایات، مطرح شده است. در نوشته‌های معاصر طاهره کمالی در مقاله‌ای با نام «جایگاه مشورت با زن در قرآن» برای اثبات جواز مشورت با زنان تلاش کرده است (بشارت، شماره ۳۱، ۱۳۸۱) زهرا کمالی نژاد در مقاله «مشورت در قرآن و سنت» با بررسی نهی از مشورت با زنان، جواز مشورت با زنان را اثبات کرده است (شمیم نرجس، شماره ۱۱، ۱۳۹۰). معصومه ریعان با تأکید بر تاریخ ظهور روایات مشورت با زنان در تفاسیر روایی، به نقد این روایات پرداخته است (مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۸). نویسنده در این مقاله با تاریخ گذاری روایات، ناسازگاری آنها با روح کلی و

گوهر اصیل دین را برجسته کرده است. سیمین دخت بهزادپور و دیگران در کتاب «زن، عقل، ایمان، مشورت» که «سفیر صبح» در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده، شبهه نهی از مشورت با زنان را پاسخ داده‌اند. حاصل سخن این که در مسئله مشورت با زنان رویکرد نویسندگان عموماً تدافعی و در راستای اثبات جواز است.

### ۳. روش پژوهش

مقاله حاضر اولاً موضوع سخن را تغییر داده به جای مشورت با زنان در باره مشورت همسران سخن می‌گوید که از طرفی شامل شوهر هم می‌شود و از طرفی زنان غیرهمسر را فرا نمی‌گیرد. ثانیاً رویکرد رایج را تغییر داده به جای تکیه و تمرکز بر پاسخ به شبهه نهی، به اثبات فواید و ثمرات مشورت پرداخته. بر این اساس این مقاله از حیث موضوع، رویکرد و نتیجه اثری نو و بدون پیشینه محسوب می‌شود.

### ۴. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به اصل بحث باید واژه‌های کلیدی این تحقیق را به طور انضمامی مفهوم‌شناسی کنیم. مشورت مصدر میمی (ر.ک؛ راغب، ۱۴۲۷ق: ۲۷۰) یا اسم مصدر از ماده «شور» (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۶: ۱۴۷) در لغت به معنای برداشت عسل از کندوی زنبور است (ر.ک؛ مقرئ فیومی، بی تا: ۳۲۷) که توسعاً بر استخراج رای صحیح اطلاق می‌شود. ولی در این مقاله به معنی تبادل نظر زن و شوهر در باره مسائل خانوادگی به کار می‌رود. مشورت به این معنی دارای دو نوع است: مشورت طریقی و مشورت موضوعی. مشورت طریقی عبارت است از تبادل نظر برای کشف گزینه بهتر و یافتن راه صواب. در مشورت طریقی، پاسخی که مستشار می‌دهد مهم است و مشورت راهی است برای رسیدن به آن. ولی مشورت موضوعی به مشورتی گفته می‌شود که - با صرف نظر از پاسخ مستشار - مشورت کننده به دنبال نتایجی است که بر خود مشورت مترتب می‌شود و ممکن

است اصلاً به پاسخ مستشار نیاز و حتی توجهی نداشته باشد. یعنی خود مشورت موضوعیت دارد؛ فارغ از آن که پاسخ‌ها برای مشورت‌کننده مفید و کارآمد باشند یا نه (ر.ک؛ ایزدهی، ۱۳۹۲: ۵۰). همسر در لغت فارسی به معنی رفیق، نظیر، قرین، هم‌سان، هم‌رتبه و ... به کار رفته است. ولی در زمان ما مشهورترین و شاید تنها مفهومی که با این واژه شناخته می‌شود، زن یا مردی است که به عنوان شریک زندگی دیگری شناخته می‌شود (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۳۴۵۴۳). بنابراین، منظور از همسر در این اطلاق و در این تحقیق انسانی است که با انسانی دیگر از جنس مخالف ازدواج کرده و شریک زندگی او محسوب می‌شود.

سعادت در تعریف حکمای مسلمان نسبت به هر موجودی دست یافتن به همه اهداف آفرینش و به فعلیت رساندن همه استعدادهای خویش است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۲۲۴) بر این اساس سعادت انسان این است که در حوزه معارف به حقیقت دست پیدا کند و از جهل و نادانی، شک و تردید و اعتقادات نادرست رها شود و در حوزه اخلاق، محیط نفس را از رذائل بپیراید و جان خود را به اخلاق فاضله آرایش دهد (ر.ک؛ صدرالدین محمد شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۷-۹) در این صورت است که در مراتب وجود، رتبه‌های برتر را به دست می‌آورد و به مقام عشق به خدا می‌رسد و از ابتهاجات عقلانی و لذت‌های روحانی برخوردار می‌شود (ر.ک؛ نراقی، ۱۳۷۹، ۱: ۳۹) به بیان قرآن کریم، انسان برای عبودیت (اتصال به ذات اقدس الهی) آفریده شده؛ (ذاریات/ ۵۶) پس سعادت انسان نیل به مقام عبودیت (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶: ۲۵۲) و رسیدن به قرب خدا از بعد روحانی است.

خانواده از منظر قرآن کریم نهادی است اجتماعی که با هم‌زیستی قانونمند (نساء/ ۱۹-۲۵) زوجین غیرهمجنس (اعراف/ ۸۳؛ حجر/ ۶۰؛ نمل/ ۵۷؛ عنکبوت/ ۳۲، هود/ ۷۱؛ ذاریات/ ۲۹، یوسف/ ۲۱، مسد/ ۴) با امکان تعدد مشروط و محدود زوجات (نساء، ۳ و ۱۲۹) تشکیل می‌شود و می‌تواند به صورت قانونی به غریزه جنسی پاسخ دهد، (مؤمنون، ۵-۷ و معارج، ۲۹-۳۱) نسل انسان را تداوم ببخشد، نسب انسان‌ها را حفظ کند، مودت و مهربانی طرفینی (روم، ۲۱) و آرامش

(اعراف/ ۱۸۹) تولید کند و اعضا را به حمایت (نساء/ ۳۴) و مراقبت (بقره/ ۱۸۷) متقابل و آموزش و تربیت نسل نخواستہ وادار/ (طه، ۱۳۲، لقمان/ ۱۳ و تحریم/ ۶). خانواده با ازدواج یک زن و مرد پدید می‌آید و با جذب و تولید اعضای جدید گسترش می‌یابد و حتی از خانواده گسترده که در جامعه‌شناسی آشناست، گسترده‌تر می‌شود (بقره/ ۱۹۶؛ نساء/ ۲۵، ۳۵ و ۹۲؛ طه/ ۱۲۳؛ یوسف/ ۲۶، ۶۲، ۶۵، ۸۸ و ۹۳؛ مریم/ ۱۶ و ۵۵).

## ۵. هدف اصلی زندگی خانوادگی

از نگاه قرآن کریم زندگی خانوادگی در بعد اجتماعی در پی اهدافی مثل تکثیر نسل (نساء/ ۱، اعراف/ ۱۸۹، زمر/ ۶، نحل/ ۷۲، فاطر/ ۱۱ و شوری/ ۱۱) حمایت و مراقبت افراد توانا از افراد ناتوان، (بقره/ ۸۳ و ۲۸۲، نساء/ ۳۶، انعام/ ۱۵۱ و اسراء/ ۲۳) حمایت متقابل اعضای توانای خانواده (نور/ ۳۲، نساء/ ۲۵ و ۳۵، بقره/ ۲۳۷) مراقبت بزرگسالان از نسل نخواستہ (بقره/ ۲۳۳، لقمان/ ۱۴ و احقاف/ ۱۵) و تحقق و گسترش روابط خویشی (بقره/ ۲۷، رعد/ ۲۱ و ۲۵، نساء/ ۷ و ۳۳) است و در بعد فردی پیگیر اهدافی مثل آسایش جنسی (رفع عنت) (نساء/ ۲۵) و انس و آرامش (اعراف/ ۱۸۹ و روم/ ۲۱) است. ولی با دقت بیشتر در قرآن کریم و روایات این باب می‌فهمیم هیچ یک از این اهداف، به رغم اهمیت فراوان، هدف اصلی تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی نیست. هدف اصلی و اقصای خانواده رشد، کمال و سعادت انسان است. قرآن کریم در ذیل نهی از ازدواج با مشرکان در تعلیل این حکم می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ﴾ (بقره/ ۲۲۱) و خدا با اذن خود، به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند. برای فهم رابطه این فقره از آیه کریمه با بحث ما توجه به چند نکته ضروری است: نخست، موضوع اصلی حکم در این آیه کریمه نکاح (ازدواج) است که دو بار در صدر آیه استخدام شده؛ بنابراین تعلیل حکم نیز با لوازم و اقتضائات نکاح سامان یافته است.

در ترکیب «بِأَذْنِهِ» حرف «ب» بر سببیت دلالت دارد و اذن بنا بر تفسیر مشهور به معنی امر است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۵۶۱؛ واحدی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۳۲۲ و سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۱۴۶). طبق تحقیق محققان وجوه و نظائر (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۲۸ق: ۱۰۸) دلالت اذن بر مفهوم «امر» مستند به آیات دیگری است که این واژه را به همین معنی استخدام کرده‌اند (رعد/ ۳۸، نساء/ ۶۴ و ابراهیم/ ۱ و ۲۳) طبق این تفسیر مفاد این فقره این است که دعوت الاهی به وسیله امر او صورت می‌گیرد. منظور از امر در اینجا احکام و قوانینی است که خداوند متعال در باب ازدواج تشریح کرده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۵۶۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۱۴۶؛ ابن‌عادل، ۱۴۱۹ق، ۴: ۶۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۳۳). نتیجه این که ازدواج با مدلی که قرآن کریم طراحی کرده، انسان را به سمت بهشت و مغفرت که نقطه اوج کمال انسانی است، می‌برد. بر این مبنی هدف غایی تشکیل خانواده سعادت انسان است.

طبق ادله دیگری که در دست داریم از نگاه اسلام، انسان در بستر خانواده به طوری رشد می‌کند و به هدف خلقت خود نزدیک می‌شود که در خارج از آن بستر امکان پذیر نیست؛ به همین دلیل رسول خدا(ص) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۴: ۱۵۴) هرکس ازدواج کند نیمی از سعادت را به او داده‌اند. به این معنی که زمینه سعادت او فراهم و راه کمالش باز می‌شود. و این نیمی از سعادت است، نیم دیگر هم آن است که انسان خود در این بستر آماده تلاش کند و به سوی مقصد قدمی بردارد. در حدیثی دیگر که از آن حضرت در دست داریم به ضرورت این تلاش پسینی اشاره شده است. می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۹۲) هرکس ازدواج کند نیمی از دینش را در حفاظت نهاده است، پس از خدا پروا و نیم دیگر را خود حفظ کند. آن حضرت در سخنان دیگری از رشدیافتگی انسان پس از ازدواج خبر داده می‌فرماید: «الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۴: ۱۵۵) کسی که ازدواج کرده اگر چه در خواب باشد، برتر است از عزب اگر چه پیوسته در نماز و روزه باشد. و می‌فرماید: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبٍ يَقُومُ

لَيْلَةً وَيَصُومُ نَهَارَةً، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۸۴) دو رکعت نماز که انسان ازدواج کرده می‌گذارد، برتر است از کار عزیزی که همه شب را نماز می‌خواند و روزش را روزه می‌دارد. «این سخنان شریف همه ذیل یک قاعده کلی تفسیر می‌شوند که طبق آن، بین رشد یافتگی فاعل و ارزش اعمال او رابطه مستقیم وجود دارد. تقریر این قاعده در کلام رسول خدا (ص) به این صورت آمده است: «حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَ فِطْرُهُمْ كَيْفَ يَغْتَبُونَ سَهَرَ الْحَمَقَى وَ اجْتِهَادَهُمْ وَ لَمِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ صَاحِبِ تَقْوَى وَ يَقِينٍ أَفْضَلُ مِنْ مِلْيَةِ الْأَرْضِ مِنَ الْمُغْتَرِّينَ، (فیض کاشانی، بی تا، ۶: ۲۹۱) خوشا خواب و خور زیرکان، چگونه از شب بیداری و تلاش احمق‌ها کم‌تر است. به اندازه یک ذره عمل از صاحب تقوا و یقین برتر است از هر سطح زمین عملی که فریفتگان انجام دهند». با ملاحظه این قاعده درمی‌یابیم که گوینده در همه این سخنان به روشنی از کمال یافتگی انسان ازدواج کرده سخن می‌گوید؛ همان‌طور که در سخنی دیگر از عقب افتادگی و رشد نیافتگی مجردان سخن گفته شده؛ می‌فرماید: «إِنَّ أَرَادِلَ مَوْتَاكُمْ الْعُرَابِ، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۸۴) پست‌ترین مردگان شما مجردها هستند». مردگان را موضوع سخن قرار داد، چون انسان تا در دنیا است و فرصت تشکیل خانواده دارد، فرصت این استکمال را از دست نداده است؛ به همین دلیل نمی‌توان او را ارزشگذاری کرد؛ ولی هنگامی که با مرگ، این فرصت را از دست می‌دهد، در آخرین صفوف اهل ایمان قرار می‌گیرد. خلاصه سخن در این باب این است که خانواده با سازکارهایی که در خود دارد، موجب رشد انسان می‌شود و از این رهگذر او را برای رسیدن به مقصد نهایی زندگی انسانی و سعادت ابدی یاری می‌کند.

## ۶. عناصر تشکیل دهنده بستر کمال خانواده

بدیهی است که صرف حرکت، کسی را به مقصد نمی‌رساند. کنشگر اخلاقی برای رسیدن به مقصد انسانیت باید در بستر معینی حرکت کند. مهم‌ترین ویژگی لازم برای بستر حرکت هم‌سوئی و تناسب با مقصد است. یکی از مفاهیمی که «صراط مستقیم» در فرهنگ اسلامی در خود دارد، این است که برای رسیدن به قرب خداوند متعال باید راهی را پیمود که به او ختم می‌شود. قرآن

کریم بستر حرکت کمالی اعضای خانواده را از عناصری ترتیب داده که الزاماً انسان را به سمت هدف نهایی می‌برد. مهم‌ترین عناصری که در این بستر به کار رفته عبارت است از:

الف. التزام به معروف (بقره، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۶ و ۲۴۱ و نساء، ۱۹ و ۲۵ و طلاق، ۲ و ۶) معروف چیزی است که مردم با ذوقی که از حیات اجتماعی به دست آورده‌اند، می‌شناسند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۲۳۲).

ب. مراعات تقوی، به معنی التزام به احکام خدا در امور خانوادگی مثل مراوده جنسی (بقره/ ۲۲۳) تقسیم وقت، توجه و امکانات بین همسران (نساء/ ۱۲۹).

ج. احسان (بقره/ ۲۲۹) به معنی خوش رفتاری پیوسته حتی در صورتی که انسان به هر دلیلی همسر خویش را دوست نداشته باشد. گروهی از مفسران در ذیل آیه کریمه ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَرْضَوْنَ النِّكَاحَ فَإِنْ كَانَ لِلَّهِ كَانٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ خَيْرًا﴾ (نساء/ ۱۲۸) و اگر نیکی کنید و پرهیز پیشه نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. نوشته‌اند مراد از احسان این است که اگر مرد به دلیلی از همسر خویش کراهت دارد، این کراهت را اظهار نکند و رفتار نیک خویش را تغییر ندهد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ۳: ۳۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۵: ۱۰۲).

د. محبت متقابل. از بسترهای حرکت کمالی، محبت طرفینی بین زوجین است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم/ ۲۱) و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. «طبق این کریمه محبت و مهربانی بین زن و شوهر مستند به جعل الاهی است و به همین دلیل در زمره آیات خدا شمرده شده است. ولی منظور از این محبت و مهربانی عواطف پیش از ازدواج نیست؛ چون در این صورت تعداد کمی از زوجین از آن برخوردار بودند؛ در حالی که آیه در مقام امتنان بر همه مخاطبان است.

معنی جعل این نیست که محبت را به قلب ایشان می‌ریزد؛ بلکه به این معنی است که خداوند متعال استعداد دوست داشتن را به ایشان داده و در زندگی زناشویی سازکاری قرار داده که این استعداد را شکوفا می‌کند. از استناد محبت همسرانه به جعل الاهی استفاده می‌شود مودت و



رحمت برای حرکت کمالی انسان ضروری است؛ در غیر این صورت خداوند متعال ابزار و امکانات آن را در وجود زوجین و سازکار آن را در زندگی مشترک قرار نمی‌داد.

هـ. مراقبت متقابل در حوزه ماده (بقره/ ۱۸۷؛ ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۱: ۱۸۹) و معنی (تحریم، ۶ و طه/ ۱۳۲).

و. حمایت متقابل در برابر تهدیدهای موجود در فرایند زندگی (بقره/ ۲۳۳، نساء/ ۳۴، روم/ ۲۱ و قصص/ ۲۹). یکی از بسترهای حرکت کمالی زوجین در خانواده اخلاقی حمایت متقابل است. حمایت در لغت به معنی دفاع است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۲۳۱۹) تفاوت حمایت با مراقبت در این است که مراقبت در برابر خطر محتمل است و حمایت در برابر تهدید موجود. به همین دلیل در سطح خانواده و به طور خاص در میان همسران، اهمیت حمایت از مراقبت بیشتر است.

ز. سازش به معنی همه اقداماتی که می‌تواند از تنش و تشنج در خانواده جلوگیری کند یا اختلافات فیما بین را بردارد. رفتارهایی مثل مصالحه، (نساء/ ۱۲۸) مدارا (نساء/ ۱۹) و بخشیدن و صرف نظر از اشتباهات یکدیگر (تغابن/ ۱۴) همه تحت این عنوان قرار می‌گیرند. بحث در باره جایگاه و چگونگی حضور این عناصر در بافتار بستر کمال اعضای خانواده بر عهده این مقاله نیست. ما در این مقاله تنها در باره ارتباط مشورت با این عوامل بحث می‌کنیم.

## ۷. جایگاه مشورت در بافتار بستر تکامل خانواده

برای این که بدانیم مشورت در بافتار بستر کمال انسان چه جایگاهی دارد، به سه چیز نیاز مندیم: شناخت ماهیت مشورت، آشنایی با کارکردهای مشورت و آگاهی از نسبت آن با سایر عوامل و عناصر تشکیل دهنده‌ی بستر تکامل انسان.

## ۷-۱. ماهیت مشورت

مشورت از حیث ماهیت یک رفتار عرفی، امری عقلایی، اقدامی عقل‌پسند و مقتضای ایمان است. عرفی است؛ چون همه اهل عرف آن را می‌شناسند و کسی نیست که این رفتار از او سر نزده باشد. رفتار عرفی اگر دلیلی از عقل یا شرع بر نفی آن نباشد، همسو با کمال انسان است؛ به دلیل این که از طرفی حامل تجربه طولانی انسان‌هاست و به همین دلیل از خطا دورتر است. ثانیاً تنش و تشنج را از میان برمی‌دارد و زمینه را برای یادگیری، تفکر و اقدامات عاقلانه فراهم می‌کند.

امری عقلایی است؛ به این دلیل که همه عقلای عالم از آن بهره می‌گیرند. وجود مجالس مشورتی در ساختار حکومت‌ها از چند هزاره قبل تا کنون نشان می‌دهد مشورت یک رفتار عقلایی است. سید محمود سامانی ضمن بررسی تاریخچه مشورت، نشان داده است انبیا، پادشاهان، رؤسای طوایف و قبایل و خلفا به مشورت ملتزم بوده و در تمدن‌های روم، یونان و ایران باستان در ساختار حکومتی مجالس مشورتی وجود داشته است (ر.ک؛ سامانی، ۱۳۷۸، ۲۲-۲۴). اجتماع عقلا بر یک رفتار از سودمندی آن رفتار در تجربه طولانی بشر حکایت می‌کند.

امری عقلانی است؛ به این معنی که عقل با ملاحظه نتایج مشورت، به انسان دستور می‌دهد به آن ملتزم باشد. از دیدگاه عقل، مشورت انسان را به مرتبه‌ای می‌رساند که به صورت انفرادی اگر دست نیافتنی نباشد، بسیار دور از دسترس است. انسان به دلیل محدودیت در شناخت، برای آگاهی از کاستی‌های افکار و اندیشه‌های خود و دستیابی به تصمیم درست، چاره‌ای جز بهره‌برداری از اندیشه دیگران ندارد (ر.ک؛ ایزدهی، ۱۳۹۲: ۵۰) به همین دلیل آیات و روایاتی هم که ما را تشویق یا الزام به مشورت می‌کنند، در حقیقت به یک امر عقلانی ارشاد می‌کنند. مثلاً این سخن امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید: «هرکس خودرایی کند هلاک می‌شود و هرکس با دیگران مشورت کند در عقل آن‌ها شریک می‌شود» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۰۰) را به هیچ روی نمی‌توان به یک حکم شرعی تأویل کرد.

مقتضای ایمان است؛ چون قرآن کریم آن را به ایمان مستند کرده، در توصیف اهل ایمان می‌فرماید: ﴿وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری/ ۳۸) و در میان خود کارها را با مشورت انجام می‌دهند. آوردن این وصف در میان اوصافی که در پی عنوان ﴿لِّلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (شوری، ۳۶) آمده، نشان می‌دهد مشورت از صفات ایمانی است (ر.ک؛ ابن عاشور، ۱۴۰، ق، ۵: ۱۶۹) به همین دلیل خداوند متعال به رسولش (ص) دستور می‌دهد برای تشخیص وجه بهتر کارها با اصحاب خود مشورت کند (آل عمران/ ۱۵۹).

## ۲-۷. کارکرد مشورت

در اینجا به ذکر کارکردهای مشورت در روابط زوجین بسنده می‌کنیم. پیش‌ازاین دانستیم که مشورت دارای دو نوع است: طریقی و موضوعی. بنابراین لازم است کارکرد هر یک از این دو را به طور جداگانه بررسی کنیم.

### ۱-۲-۷. کارکرد مشورت موضوعی

مشورت موضوعی در صورتی اتفاق می‌افتد که مشورت‌کننده می‌داند مستشار از جهت فکری نمی‌تواند به او کمک کند؛ ولی می‌داند مشورت نتایج زیاد دیگری در حوزه تربیت، تعلیم، ارتباط و اهداف خانواده دارد. در حوزه تربیت از طرفی به مستشار شخصیت می‌بخشد. احساس شخصیت موجب اعتماد به نفس می‌شود و اعتماد به نفس منشأ رشد و ارتقای انسان است. از طرفی دیگر مشاور با طرح مسأله خود، مستشار را به فکر کردن وامی‌دارد و از این طریق نهفته‌های وجود او را به ظهور می‌رساند. در حوزه آموزش کسی که مشورت می‌کند، فرصتی به دست می‌آورد تا در ضمن گفتگوی مشورتی مطالبی را که مایل است، به طرف مقابل آموزش دهد.

از حیث ارتباطی، اولاً مشورت، مسائل اختصاصی هر یک از زوجین را به مسائل مشترک تبدیل می‌کند و از این رهگذر صمیمیت می‌آفریند، ثانیاً مستشار به نتیجه مشورت گردن می‌نهد و از این مسیر نزاع از خانواده رخت برمی‌بندد.

در پیشبرد اهداف خانواده، مشورت موجب می‌شود مستشار خود را اولاً صاحب مسئله بداند و برای حل آن تلاش کند و ثانیاً در اجرای نتیجه مشورت که خود او در انتخابش سهیم بوده بکوشد (ر.ک؛ ایزدهی، ۱۳۹۲: ۵۱). از این همه گذشته کسی که با همسر خود مشورت می‌کند، پیش از آن برای ایجاد فضای مشورت باید رفتارهای زیادی را ترک کرده و شرایط زیادی را تغییر داده باشد.

#### ۷-۲-۲. کارکرد مشورت طریقی

مشورت طریقی مقدم بر همه کارکردهایی که عقل برای آن می‌شناسد و شرع به آن ارشاد می‌کند، از منظر دینی اثری ماورائی دارد که کیفیت آن بر ما پوشیده است؛ مثل اثری که صدقه در رفع بلا و صلح رحم در طول عمر و فراخی روزی دارد. مشورت از این منظر موجب برکت در گفتگوها و اظهار نظرهاست. این نکته از تعدادی از نصوص به روشنی استفاده می‌شود، از جمله رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲: ۴۲) مشورت با عاقل خیرخواه موجب رشد و میمنت و توفیق الهی است» امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «کسی که مشورت می‌کند، خدا تنهانش نمی‌گذارد؛ بلکه او را رفعت می‌دهد و به سمت بهترین انتخاب و نزدیک‌ترین گزینه به خدا هدایت می‌کند» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۶۰۲) امام کاظم (ع) در پاسخ کسی که گفته بود چرا با غلام مشورت می‌کنید، فرمود: «چه بسا خداوند متعال زبان او را بگشاید.» (همان) علاوه بر این، مشورت طریقی فواید زیادی دارد از جمله:

الف. پختگی تصمیمات، که در سخنان معصومان با مفاهیمی مثل مشارکت در عقول دیگران (ر.ک؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۰۰)، راه یافتن به تصمیم درست (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱:

۳۰۰)، استفاده از روشنایی عقول (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۲۷) و کامیابی و موفقیت (همان: ۶۲۸) به آن اشاره شده است.

ب. برخورداری از پشتیبانی دیگران. اقدامی که در نتیجه همفکری صورت می‌گیرد، به طور طبیعی از پشتیبانی همه همفکران برخوردار و مورد تأیید عقلایی است که به آن نظارت دارند. موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذَمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَا دِحًا وَ عِنْدَ الْخَطَا عَاذِرًا» (تمیمی آمدی، همان: ۶۰۵) کسی که مشورت می‌کند اگر درست برود، دیگران ستایشش می‌کنند و اگر اشتباه کند عذرش را می‌پذیرند».

### ۷-۳. نسبت مشورت با عناصر تشکیل دهنده بستر تکامل

پیش از این با مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده بستر تکامل اعضای خانواده آشنا شدیم. مشورت با تقوی و محبت نسبت اقتضایی دارد تقوی مشورت را اقتضا می‌کند و مشورت محبت را. دومی را به تجربه می‌دانیم و اولی را از قرآن کریم استفاده می‌کنیم که پس از ارشاد والدین شیرخواره به مشورت، فرموده است: ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ (بقره، ۲۳۳) این سفارش ناظر به احکامی است که یکی از آن‌ها مشورت است (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۶۲، ۲: ۳۸۰). و رابطه‌اش با معروف، حمایت، مراقبت و سازگاری رابطه جزئی اضافی با کلی اعم است. مشورت بخودی خود یک رفتار معروف است. مشورت کننده با این رفتار سازگاری خود را با مستشار اعلام می‌کند و مستشار با پاسخ به مشورت، مسیر را حمایت و از او در برابر تصمیم نادرست مراقبت می‌کند.

خلاصه سخن این که مشورت به انحاء مختلف با کمال و مسیر کمال انسان ارتباط دارد و با وجود خود در محیط خانواده بافتار بستر کمال را محکم‌تر، حرکت در راستای کمال را سریع‌تر و کنش‌گر کمال‌جو را در حرکت خویش استوارتر می‌سازد. این مطلب اگر چه با توجه به آنچه گذشت برهانی است، ولی در حوالی آن شبهه دیرینه‌ای وجود دارد که نیازمند پاسخ است. ما از این شبهه تحت عنوان «نظریه مردانه بودن مشورت» بحث می‌کنیم.

#### ۴-۷. نقد نظریه مردانه بودن مشورت

در کتب روایی تعدادی روایت آمده که دلالت می‌کنند پیشوایان معصوم از مشورت با زنان نهی کرده و حتی دستور داده‌اند که مرد برای مخالفت با نظر ایشان نخست با آن‌ها مشورت کند و آنگاه بر خلاف پیشنهادشان رفتار کند. برخی به استناد این اخبار - حداقل در مقام اظهار نظر - مشورت را یک امر مردانه تلقی کرده‌اند. اگر مفاد این نظریه پذیرفته شود، مشورت در خانواده نه تنها بستر کمال نیست، بلکه باید مرد را از مشورت جدی و حقیقی با همسرش نهی کنیم. برای آگاهی از صحت و سقم این نظریه نخست این نظریه را با سند بالادستی دین یعنی قرآن کریم محک می‌زنیم و پس از آن به بررسی اسناد و دلالت روایات این نظریه می‌پردازیم.

#### ۱-۴-۷. نظریه در پیشگاه قرآن

در کتب روایی تعدادی روایت آمده که دلالت می‌کنند پیشوایان معصوم از مشورت با زنان نهی کرده و حتی دستور داده‌اند که مرد برای مخالفت با نظر ایشان نخست با آن‌ها مشورت کند و آنگاه بر خلاف پیشنهادشان رفتار کند. برخی به استناد این اخبار - حداقل در مقام اظهار نظر - مشورت را یک امر مردانه تلقی کرده‌اند. اگر مفاد این نظریه پذیرفته شود، مشورت در خانواده نه تنها بستر کمال نیست، بلکه باید مرد را از مشورت جدی و حقیقی با همسرش نهی کنیم. برای آگاهی از صحت و سقم این نظریه نخست این نظریه را با سند بالادستی دین یعنی قرآن کریم محک می‌زنیم و پس از آن به بررسی اسناد و دلالت روایات این نظریه می‌پردازیم.

#### ۲-۴-۷. مستندات روایی نظریه

دانستیم که این نظریه به چند روایت مستند شده؛ بنابراین برفرض که منافات آن با قرآن را ندیده بگیریم، در صورتی می‌توان با استناد به این روایات این نظریه را به دین نسبت داد که روایات

مربوطه، هم از حیث سند و هم از حیث دلالت کامل باشند. بنابراین، لازم است سند و دلالت این روایات را بررسی کنیم.

### ۷-۴-۳. بررسی سندی روایات

- حدیث اول، امام باقر(ع) فرمود: «لَا تُشَاوِرُوهُنَّ فِي النَّجْوَى وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي ذِي قَرَابَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۵۱۷). این خبر به اصطلاح علم حدیث مرفوع است یعنی واسطه بین امام باقر(ع) و محمدبن خالد که کلینی با واسطه پسرش احمد از او روایت می‌کند، از قلم افتاده است. چون برقی پدر از شاگردان امام کاظم، امام رضا و امام جواد بوده و نه تنها امام باقر(ع) بلکه امام صادق(ع) را هم درک نکرده است. به همین دلیل کلینی در سند آن نوشته است: «رفعه الی ابی جعفر» بنابراین، این روایت برای اثبات مفاد خود صلاحیت ندارد.
- حدیث دوم، باز کلینی از یعقوب بن یزید نقل کرده است که او از شخصی با کنیه ابوعبدالله -که از راویان امامی مذهب است- به طور مرفوع از امام صادق(ع) نقل کرده است که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «فِي خِلَافِ النَّسَاءِ الْبُرْكَهُ» (همان: ۵۱۸) در مخالفت با [نظر] زنان برکت هست». یعقوب بن یزید از راویان مورد اعتماد امامیه(ر.ک؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۸۹) و از اصحاب امام رضا(ع) (ر.ک؛ کجوری شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷۳) و امام هادی(ع) و از طبقه هفتم راویان (ر.ک؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۱۰۴) است که به طور معمول با دو یا سه واسطه از امام صادق(ع) روایت می‌کند؛ ولی در این نقل بین او و امام صادق(ع) تنها یک واسطه وجود دارد پس همان‌طور که مرحوم کلینی تصریح کرده، این حدیث به طور مرفوع از آن حضرت نقل شده است. علاوه بر این، شخصی که یعقوب حدیث را از او گرفته برای ما ناشناخته است؛ فقط می‌دانیم از راویان شیعی و کنیه‌اش ابوعبدالله است و این اطلاعات اندک برای اعتماد به یک راوی کافی نیست بنابراین، به این نقل نیز نمی‌توان اعتماد کرد.

- حدیث سوم، کلینی با سندی معتبر از اسحاق بن عمار روایت کرده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا آزَادَ الْحَرْبَ دَعَا نِسَاءَهُ فَاسْتَشَارَهُنَّ ثُمَّ خَالَفَهُنَّ، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۵۱۸) رسول خدا(ص) هر وقت قصد جنگ داشت زنانش را صدا می زد، با آنان مشورت می کرد؛ سپس بر خلاف نظر ایشان عمل می کرد». اسحاق بن عمار از اصحاب امام صادق و امام کاظم(ع) است (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ۱: ۲۹۸) و با این حال نمی تواند بدون واسطه از رسول خدا(ص) چیزی نقل کند؛ پس این خبر نیز قابل اعتماد نیست.
  - حدیث چهارم، امام صادق(ع) می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۵۱۷) مبدا با زنان مشورت کنید؛ زیرا زن ها ضعیف و سست و ناتوانند».
- در سند این روایت حداقل دو نفر راوی ضعیف وجود دارد: حسن بن علی بن ابی حمزة و محمد بن احمد جامورانی. نفر اول واقفی است. بنا به نقل علامه حلی، کشی در قدح او روایاتی آورده و از علی بن حسن بن فضال نقل کرده است که دروغگوی ملعونی است (۱۴۱۷ق: ۳۳۴). ابن داود نیز او را تضعیف کرده است (۱۳۹۲ق: ۲۳۸) نفر دوم از غلات شمرده شده و به وسیله علامه حلی (۱۴۱۷ق: ۴۲۴) و ابن داوود (۱۳۹۲ق: ۲۶۹) تضعیف شده است.
- حدیث پنجم، در نهج البلاغة از امیرالمؤمنین(ع) در ضمن نامه به فرزند گرامیش امام حسن(ع) روایت شده: «وَأَيُّكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۵) از مشورت با زنان بپرهیز که رایشان ناقص و تصمیمشان سست است» این حدیث با توجه به این که در ضمن نامه معروف و معتبر امام آمده از بررسی سندی بی نیاز است. بنابر آنچه گذشت تنها حدیث قابل اعتماد از حیث سند همین یک حدیث است.



#### ۷-۴-۴. بررسی دلالت روایات

اکنون با صرف نظر از وضعیت سندی پنج حدیث گذشته در باره دلالت آن‌ها سخن می‌گوییم. حدیث اول از امام باقر(ع) «لَا تُشَاوِرُوهُنَّ فِي النَّجْوَى وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي ذِي قَرَابَةٍ». فهم مفاد این حدیث، منوط به درک رابطه مشورت و نجوی است. مقصود از این که فرمود: «با آن‌ها در نجوی مشورت نکن.» چیست؟ چند احتمال وجود دارد: اول، اگر سرّی دارید، در باره آن با زنان مشورت نکنید. دوم، چون مشورت غالباً امری سرّی یا مشتمل بر امری سرّی است با آن‌ها مشورت نکنید (ر.ک؛ مجلسی، محمد تقی، بی‌تا، ۸: ۵۱۲) سوم، به صورت نجوی با زنان مشورت نکن.

در احتمال اول دو موضوع وجود دارد: مشورت و راز. اگر موضوع سخن راز باشد، و منظور از آن مراقبت از اسرار باشد، مفاد کلام این است که زنان صلاحیت ندارند که راز خود را با آن‌ها بگویند؛ پس اگر رازی داری با زنان در باره آن مشورت نکن. بر این اساس این سخن اصلاً به مسأله مشورت ناظر نیست و بر عدم صلاحیت زنان برای مشورت دلالتی ندارد. و اگر مشورت موضوع سخن باشد، مقصود سخن این است که با زنان در باره امور سرّی مشورت نکن و با این وصف، سخن حکیمانه نیست؛ چون در باب مشورت بین راز و غیر راز تفاوتی نیست. اگر کسی حائز شرایط مشورت باشد، هم در مورد امور آشکار می‌تواند نظر بدهد و هم در باره امور سرّی. طبق احتمال دوم مقصود از این سخن، ترغیب شنونده به محافظت از اسرار است و به موضوع مشورت با زنان هیچ نظارتی ندارد. طبق احتمال سوم معنی سخن این است که مشورت با زنان به صورت علنی اشکالی ندارد؛ در این صورت باز با یک کلام غیر حکیمانه مواجه می‌شویم؛ چون اگر کسی برای مشورت صلاحیت داشته باشد، فرقی بین مشورت آشکار و پنهان نیست. تنها راه اجتناب از این محذور این است که بگوییم این حدیث اصلاً مربوط به باب مشورت نیست. توضیح این که به نظر می‌رسد در الفاظ حدیث یک تصحیف اتفاق افتاده و اصل حدیث لا تساروهنّ بوده است. طبق این احتمال، این حدیث به طور کلی از باب مشورت حذف شده، به باب محافظت از سرّ تعلق پیدا می‌کند.

در حدیث دوم امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «فِي خِلَافِ النِّسَاءِ الْبِرْكَةُ»، از شارحان حدیث جز احمد بن صالح قطیفی از نویسندگان معاصر، کسی در صدد شرح این جمله برنیامده است. او در باره معنی این جمله چند احتمال به شرح زیر داده است:

الف. وقتی نمی‌دانید از بین دو کار کدام یک به صلاح است و هیچ مرجحی نیست که یکی از آن‌ها را اولویت دهد، مخالفت با نظر زنان را به عنوان یک مرجح و اماره کار اصلح تلقی کنید؛ مشابه آن که مخالفت با حکام جور در شریعت از مرجحات است.

ب. با زنان مشورت کنید تا به این وسیله از کید و مکر ایشان در امان بمانید؛ ولی در صورتی که پی بردید مصلحت در مخالفت با ایشان است، بر خلاف نظر ایشان عمل کنید.

ج. با آن‌ها مشورت کنید تا خوشحال شوند و شما بتوانید از وجودشان لذت ببرید؛ ولی در مقام عمل گزینه‌ای را انتخاب کنید که دلیلی بر رجحانش دارید (ر.ک؛ آل طوق القطفی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۷۷).

از آنجا که این حدیث با حدیث بعد مفاد مشترکی دارد، پس از بررسی حدیث آتی در باره این احتمالات سخن خواهیم گفت. در این روایت می‌خوانیم رسول خدا(ص) هر وقت قصد جنگ داشت، همسرانش را صدا می‌زد با آن‌ها مشورت می‌کرد، آنگاه بر خلاف نظر ایشان عمل می‌کرد. نکته‌ای که در ارزیابی مفاد این روایت، تأثیر جدی دارد، این است که طبق این روایت قصد رسول خدا(ص) پوشیده و پنهان نبوده است؛ به همین دلیل هم برای ما روایت شده است؛ بنابراین، از جوهی که قطیفی در شرح حدیث سابق احتمال داده وجه دوم و سوم در باره این روایت احتمال ندارد. وجه اول نیز احتمال ندارد؛ چون اولاً نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا(ص) در همه جنگ‌ها بر سر دوراهی مانده باشد و هیچ مرجحی پیدا نکند. ثانیاً آن حضرت با وجود علم سرشار از یک طرف و اصحاب کاردان و جنگ‌آشنا به چنین مرجحی نیاز نداشته است. بر این اساس تنها احتمال در معنی این روایت این است که رسول خدا(ص) حقیقتاً نظر ایشان را برای مخالفت می‌پرسیده است. در باره حدیث سابق نیز در نهایت باید همین احتمال را برمی‌گزینیم، چون بطلان سایر

احتمالات واضح است، چرا باید مخالفت با نظر زنان همانند مخالفت با رأی حکام جور از مرجحات باشد، آیا می‌توان زنان با ایمان، دانا و پاکدامن را در ردیف جانوران قرار داد و چرا باید همه کارهای زنان را مبتنی بر مکر و خدعه و حيله برای زیان رساندن به مردان بدانیم تا مردان مجبور شوند برای امنیت خود با ایشان به ظاهر مشورت کنند و اگر مسأله قابل مشورتی رخ نداد، برای کسب امنیت چه باید کرد و آیا راهی بهتر برای کسب امنیت وجود ندارد؟ اگر اصل مخالفت با نظریه زنان به عنوان یک آموزه اسلامی منتشر شود و زنان نیز از آن آگاهی بیابند، چگونه با اجرای نمایش مشورت، خوشدل و خوشحال خواهند بود، تا مرد بتواند بهتر و بیشتر از وجودشان لذت ببرد؟ مهم‌تر از همه این‌ها آیا تشریح چنین حکمی از سوی شارع حکیم تحقیر زنان را در پی ندارد؟ و آیا این حکم با کریمه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» در تضاد نیست؟ این‌ها پرسش‌هایی است که پذیرش مفاد این دو خبر را برای ما مشکل می‌سازد. به همین دلیل این دو خبر حتی اگر از حیث سند معتبر باشند، مفاد لایق‌پذیری ندارند.

حدیث چهارم و پنجم دارای یک سیاقند. در هر دو با یک حکم - حداقل تنزیهی - و یک تعلیل مواجهیم. حکم معلل وجوداً و عدماً دائر مدار علت است. در این دو حدیث، نهی از مشورت با زنان با ضعف رأی، ناتوانی و سستی عزم تعلیل شده است. بر این اساس ملاک نهی از مشورت با زنان جنسیت آن‌ها نیست؛ بلکه ناتوانی، سستی عزمی و ضعف رأی است. هر جا این نواقص پیدا شود چه در مرد و چه در زن، نباید مشورت کرد. پس باید دید آیا همه زنان از این جهات ناقصند؟ ممکن است گفته شود در عصر تشریح زنان از کسب دانش و کمال محروم بودند و غالباً از امور اجتماعی و اقتصادی بی‌خبر بودند و به همین دلیل مشورت با ایشان در این زمینه‌ها معمولاً فایده‌ای نداشت و به همین دلیل امیرالمؤمنین فرمود با ایشان مشورت نکنید. با این تحلیل این حکم نه به زنان اختصاص دارد و نه شامل همه زنان می‌شود؛ بلکه اگر مردی هم از تجربه و دانش کم‌بهره باشد مشمول این حکم می‌شود و برعکس اگر زنی دارای دانش و تجربه باشد، از شمول این حکم خارج است. به همین دلیل در نقل دیگری که از کلام امیرالمؤمنین در دست است، می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مَنْ جَرَّبَتْ بِكَمَالِ عَقْلِ، (کراجکی، پ ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۷۶؛ مجلسی، محمد باقر،

۱۴۰۳ق، ۱۰۰، ۲۵۲) مبدا با زنان مشورت کنی مگر زنی که می‌دانی عقلش کامل است» مراد از عقل در این حدیث عقل معاش است که با تحصیل علم و تجربه فراهم می‌آید. برای تأیید این برداشت می‌توان به دو وجه دیگر تمسک کرد: نخست این که طبق احادیث معتبری که از امیرالمؤمنین(ع) در دست داریم شایستگی مشورت با عقل، تجربه، خداترسی، دل‌سوزی و آینده‌نگری فراهم می‌شود و عواملی مثل جهل، بخل، ترس، دشمنی، حرص و دروغ‌گویی این صلاحیت را زائل می‌کنند (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۰۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۴۲؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۸) و دیگر این که از طریق اهل سنت دو حدیث از رسول خدا(ص) نقل شده که دلالت می‌کنند مشورت با زنان در امور مربوط به خودشان لازم است. می‌فرماید: «أمرُوا النساء فی بناتهن، (أحمد بن حنبل، بی‌تا، ۲: ۳۴) زنان را در مورد دخترانشان فرمانده کنید.» و می‌فرماید: «أمرُوا النساء فی أنفسهن، (الصنعانی، بی‌تا، ۶: ۱۴۲) زنان را در مورد خودشان فرمانده کنید» منظور این است که با زنان در مورد ازدواجشان مشورت کنید (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ۱: ۶۶).

علاوه بر این همه، زن و مرد هر یک با برخی موضوعات آشناتر و در برخی مسائل خبره‌ترند و به طور طبیعی آرای صائب‌تری دارند. با این حال اگر یکی از زوجین بدون مشورت با همسر به رأی خود عمل کند، در حقیقت خود را از رأی خبره محروم کرده و با احتمال بیشتری گرفتار اشتباه می‌شود. بنابراین آنچه گذشت، تفکیک جنسیتی در امر مشورت با دین اسلام هیچ ارتباطی ندارد؛ بلکه برداشت نادرست کسانی است که با نگاه مردانه به سراغ آثار و متون دینی رفته‌اند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی زندگی خانوادگی سعادت انسان است؛ ولی در صورتی به این هدف می‌رسد که اعضای خانواده عناصر دخیل در سعادت خود را بشناسند و آن‌ها را به کار گیرند. برای این که بدانیم مشورت همسران در سعادت اعضای خانواده چه اثری دارد، از سه زاویه به مشورت نگاه کردیم: ماهیت، کارکرد و رابطه با عناصر دخیل در کمال اعضای خانواده. مشورت از حیث ماهیت یک رفتار عرفی، امری عقلایی، اقدامی عقل‌پسند و مقتضای ایمان است. و به همین دلیل می‌تواند انسان را به سمت سعادت سوق دهد. از نظر کارکرد، مشورت خواه موضوعی و خواه طریقی دارای کارکردهای ویژه‌ای است. مشورت موضوعی در حوزه تربیت، تعلیم، ارتباط و اهداف خانواده نتایج زیادی دارد. مشورت طریقی علاوه بر اثر ماورائی که در روایات برای آن بیان شده، موجب پختگی تصمیمات و جلب پشتیبانی دیگران می‌شود. از زاویه سوم مشورت با همه عناصری که قرآن کریم در ترتیب بستر حرکت کمالی اعضای خانواده به کار برده ارتباط دارد. با تقوی و محبت نسبت اقتضایی دارد: تقوی مشورت را اقتضا می‌کند و مشورت محبت را. رابطه‌اش با معروف، حمایت، مراقبت و سازگاری نیز رابطه جزئی اضافی با کلی اعم است. بر این اساس مشورت از طریق شخصیت‌بخشی و اعتمادسازی، ایجاد زمینه تفکر، ایجاد فرصت گفتگو و به اشتراک گذاشتن دانسته‌های طرفین، ایجاد صمیمیت و رفع نزاع و درگیری از محیط خانواده، تولید تلاش دسته‌جمعی اعضای خانواده، پخته‌سازی تصمیمات، جلب پشتیبانی اعضای خانواده و جلب برکت الاهی که در نصوص دینی وعده داده شده، موجب سوق اعضای خانواده و بخصوص همسران به سمت سعادت می‌شود.

نظریه مردانه بودن مشورت نیز علاوه بر این که برای استناد به دین از سند کافی بی‌بهره است، با منطق قرآن کریم سازگاری ندارد؛ چون از منظر قرآنی زن از حیث شخصیتی و در ساختار شبکه اجتماعی اهل ایمان، با مرد برابر است. و ادله قرآنی مشورت هیچ قیدی ناظر به جنسیت ندارد.

## منابع

۱. آل طوق القطیفی، أحمد بن صالح. (۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.). *رسائل آل طوق القطیفی. تحقیق و نشر شرکه دارالمصطفی (ص)*. بی جا: لإحیاء التراث الاول.
۲. ابن اثی، مجدالدین. (۱۳۶۴). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. تحقیق طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی. قم: مؤسسه إسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴. ابن داود حلّی، حسن بن علی. (۱۳۹۲ق - ۱۹۷۲م.). *رجال ابن داود*. تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم. قم: منشورات الرضی.
۵. ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ق.). *اللباب فی علوم الکتاب*. تحقیق عبدالموجود عادل احمد و دیگران. دار الکتب العلمیه. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق.). *التحریر و التنویر*. چ اول. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۷. ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق.). *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*. چ اول. تحقیق محمود محمود غراب. دمشق: مطبعة نصر.
۸. أحمد بن حنبل. (بی تا). *مسند*. بیروت: دار صادر.
۹. ایزدهی. سید سجاد. (۱۳۹۲). «ضوابط مصلحت در فقه شیعه». سیاست متعالیه. شماره اول. صص ۳۱-۶۲.
۱۰. بحر العلوم، مهدی. (۱۳۶۳). *الفوائد الرجالیه*. تحقیق و تعلیق محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم. چ اول. طهران: مکتبه الصادق.

۱۱. برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق.). *المحاسن*. تحقیق جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامیه.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق.). *معالم التنزیل*. تحقیق مهدی عبد الرزاق. چ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. تفرشی، مصطفی بن الحسین. (۱۴۱۸ق.). *نقد الرجال*. چ اول. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). *غرر الحکم و درر الکلم*. تحقیق و تصحیح سید مهدی رجائی. قم: دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم. (۱۳۶۲). *تفسیر شاهمی*. چ اول. تهران: نشر نوید.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *تسنیم*. پنجم. قم: انتشارات اسراء.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (ع).
۱۸. حلی، حسن بن یوسف (علامه). (۱۴۱۷ق.). *خلاصه الأقوال*. تحقیق جواد قیومی. اول. قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
۱۹. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: مؤسسه نشر الإسلامیه.
۲۰. دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه*. (۱۳۷۷). چ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. رازی، فخرالدین. محمد بن عمر. *مفاتیح الغیب*. اعداد و نشر مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی. سوم. بیروت. ۱۴۲۰ق.
۲۲. راغب اصفهانی. (۱۴۲۷ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دوم. بی جا: طلیعه نور.
۲۳. رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ق.). *المنار*. چ اول. بیروت: دارالمعرفه.

۲۴. سامانی، سید محمود. (۱۳۸۷). *مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان*. اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق.). *بحر العلوم*. تحقیق عمر عمروی. اول. بیروت: دارالفکر.
۲۶. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق.). *نهج البلاغه*. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۷. صدرالدین محمد شیرازی. (۱۴۱۱ق.). *تفسیر القرآن الکریم*. تصحیح محمد خواجهی. چ دوم. قم: انتشارات بیدار.
۲۸. الصنعانی، عبد الرزاق. (بی تا). *المصنف*. تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی. بی جا: بی نا.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق / ۱۹۹۷م.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق.). *جوامع الجامع*. تصحیح ابوالقاسم گرگی. اول. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، مجمع البیان. (۱۴۱۵ق.). *تحقیق و تعلیق لجنة من العلماء والمحققین الأخصائیین*. اول. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *التبیان*. تحقیق احمد حبیب العاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. عاملی، جعفر مرتضی. (۱۴۲۴ - ۲۰۰۳م.). *مقالات و دراسات*. چ اول. بی جا: مرکز اسلامی للدراسات.
۳۴. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۲۸ق.). *تصحیح الوجوه والنظائر*. تحقیق محمد عثمان محمد. چ اول. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.



۳۵. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۸م). *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (کتاب الحج)*. چ دوم. بی‌جا: دار التعارف للمطبوعات.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *العین*. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. چ دوم. قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۷. فیض کاشانی. (بی‌تا). *المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. چ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۸. کجوری شیرازی، مهدی. (۱۳۸۲). *الفوائد الرجالية*. تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش. چ اول. قم: دار الحدیث للطباعة والنشر.
۳۹. کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق.). *کنز الفوائد*. تحقیق نعمه عبد الله. قم: دارالذخائر.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
۴۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. تحقیق و تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۳. مجلسی، محمد تقی. (بی‌تا). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. تحقیق و تعلیق سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه الإشتهاردی. بی‌جا: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشان‌پور.
۴۴. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸ش.). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق.). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت (ع). قم: نشر کنگره شیخ مفید.

٤٦. المقري الفيومي. أحمد بن محمد. (بی تا). **المصباح المنير**. بی جا: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
٤٧. نراقی، محمد مهدی، (بی تا)، **جامع السعادات**، نجف، تحقیق محمد کلانتر، دارالنعمان للطباعة و النشر.
٤٨. نوری، حسین بن محمد تقی. (١٤٠٨ق.). **مستدرک الوسائل**. قم: تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت(ع).
٤٩. واحدی، علی بن احمد. (١٤١٦ق.). **الوسیط فی تفسیر القرآن المجید**. تحقیق زفیتی محمد حسن ابوالعزم. نشر جمهوری مصر العربیه. وزارة الاوقاف. المجلس الاعلی للثنون الاسلامیه. قاهره: لجنة احیاء التراث الاسلامی.